

قاصدک‌های نجوان

زینب اکبری / ماهدشت کرج

سکوت و سیاهی

در کنار این پنجره
باید سکوت کرد و گوش فرا داد
تا بشنوی آواز مرغ حق را
که در شب پاییزی نجوا می‌کند
باید سکوت کرد و نشان داد
چیزی بامعنا تر از سکوت وجود ندارد
و خیره شد به آسمان در شب
و فهمید رنگی بالاتر از سیاهی نیست

رقبه زادبخشی / گیلان / تولم شهر

بی‌قرار

من از تبار بی‌کسی‌هایم، تو باشی همدم دل تنه‌ایم
دو سه روزی‌ست که من غم دارم، دل‌بش را نمی‌خواهم بدانم
بهار است و لیکن گل سرخی نمی‌روید
گویی بهار شادی را فراموش کرده، نمی‌دانم...
تو از کدام تباری زهرا(س) من تو را می‌خوانم
بهار تو را می‌خواند، همه تو را می‌خوانند

مهتاب مختاری / کرج

خانه‌تکانی

دل‌م در این روزها خانه‌تکانی می‌کند
او هم دارد برای عید خانه‌تکانی می‌کند
گرد و خاک‌های دل را پاک می‌کند
پنجره‌های خانه‌ام را دوباره باز می‌کند

ساناز اسدزاده / آذربایجان شرقی / سراب

چشمان تو

بهانهٔ این غزل غزال چشمان تو
دریده آرامشم خیال چشمان تو
شبی نباشد دل‌م، نلرزد از خاطرت
سیه شده بخت من مثال چشمان تو
ماه‌گریزان شود ز خجلت از آسمان
شبی که رؤیت شود هلال چشمان تو
سیاه مژگان تو چو خنجری بر دل‌م
بیا و جانم ستان، حلال چشمان تو

خط به خط

دوست خوبم، زینب اکبری از ماهدشت کرج سلام!

شعر زیبایی را خواندم. در شعرت از «ضربالمثل» استفاده کرده بودی که یک صنعت شعری است و به آن «ارسال‌المثل» می‌گویند. از این صنعت در شعرهای فارسی زیاد استفاده می‌شود و زیبایی شعر را دو چندان می‌کند. کاش برای فضاسازی شعرت از جزئیات بیشتری کمک می‌گرفتی. وقتی می‌گویی شب پاییزی، خواننده شعرت فقط با چند واژه توخالی مواجه است، ولی اگر این شب پاییزی را توصیف می‌کردی و چند تصویر به شعرت اضافه می‌کردی، مثل صدای خش‌خش برگ‌ها و... آن وقت خواننده بیشتر فضای شعرت را لمس می‌کرد. فضای شعرت کمی سیاه است و ناامیدکننده. دنیا زیبایی‌های زیادی دارد که یکی از وظایف شاعر انتقال آن‌هاست. چرا نباید از روز، روشنی و امید شعر بنویسیم؟ شعرهای شاد و شوخ و گاهی آمیخته با طنز بیشتر به دل خواننده می‌نشینند. اگر دوست داری امتحان کن. شعری با فضای روشن بنویس و برای اطرافیان بخوان و نظرشان را بپرس. منتظر شعرهای دیگری هستم.

دوست خوبم! رقیه زادبخشی از گیلان از تو لرم شهر

شعر بی‌قرار را که سوگ سروده‌ای برای حضرت فاطمه (س) است، خواندم. خوب است که راحت توانسته‌ای احساسات را نسبت به حضرت فاطمه (س) بیان کنی. وزن و قافیه در شعر تو به شدت دچار مشکل است. اگر می‌خواهی شعر موزون بنویسی، حتماً باید موسیقی کلام و یکسان بودن وزن در هر مصراع و بیت را حفظ کنی. بهتر است با توجه به بیشتری شعرهای کلاسیک کتاب درسی و دیوان شعرایی از جمله حافظ و سعدی را بخوانی و ببینی که چه‌طور توانسته‌اند وزن شعر را به کار ببرند. به کار بردن قافیه هم در شعر کلاسیک اصولی دارد که باید یاد بگیری. منتظر شعرهای بهتری هستم. برایت آرزوی موفقیت می‌کنم.

دوست خوبم! مهتاب مختاری از کرج

شعر خوبت را خواندم. زبان شعرهایت ساده و صمیمی است و خواننده را با خود همراه می‌کند، اما مشکل وزن و قافیه در شعرهای تو هم وجود دارد. اگر می‌خواهی شعر کلاسیک بگویی باید به وزن و قافیه بیشتر دقت کنی و در این باره بیشتر مطالعه کنی. نکته دیگری که در شعرهایت وجود داشت، اطناب و پرگویی بود. باید بتوانی در شعرهایت ایجاز را رعایت کنی: کم‌گویی و گزیده‌گویی چون در/ تا زندک تو جهان شود پر کلمه‌ها ارزشمند هستند و برای خرج کردن آن‌ها در شعر باید دقت کافی داشت. در بیت اولت در دو مصراع یک چیز را بیان کرده‌ای و نیازی به تکرار آن نبوده است. در استفاده از کلمات دقت کن تا شعرهای دیگری خواندنی‌تر شوند. منتظر شعرهای بهتری هستم.

دوست خوبم! ساناز اسدزاده از آذربایجان شرقی از سراب

غزل زیبایی با عنوان چشمان تو را خواندم. از نظر وزن و قافیه، شعر سالمی است. تصویرها و توصیف‌های خوبی را در شعرت ساخته بودی. اغراق و تصویرسازی زیبایی در بیت دوم داشتی که دل‌نشین بود. بعضی از کلماتی که به کار برده بودی، کمی زمخت بودند و از بافت شعر خارج می‌شدند. مثلاً کلمه «دریده». دریده شدن آرامش توسط خیال چشمان محبوب کمی خشن است و برای برهم خوردن آرامش، استفاده از اصطلاح دریده شدن، بی‌دقتی شاعر در استفاده از کلمات را می‌رساند. مینا و اساس شعر کلمه است. ابزار شاعر در ساخت شعر واژگان است، پس باید در استفاده از این ابزار ظریف نهایت تلاش و دقت خود را به کار برد. شعر خوبی بود. منتظر شعرهای خوب دیگری هستم. موفق باشی.